



Challenges of child adoption Requests: a qualitative study in Tehran

Masoumeh Miley^{*1} | Masoumeh Beiranvand²

1. Assistant Professor, Department of Social Work, Farzanegan Campus, Semnan University, Semnan, Iran.

Email: mmayeli@semnan.ac.ir

2. PhD student, Department of Psychology, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: m.beiranvand65@gmail.com

* This research project was extracted using Semnan University research credit with project number 14031049.

Abstract

Adoption is one of the pathways through which infertile couples can experience parenthood, while also providing a stable life for children who lack effective biological parents. Adoption can offer a profoundly meaningful experience for both adoptive parents and the adopted children. However, the decision to adopt is often accompanied by numerous challenges. The present study aims to explore, in depth, the issues and challenges faced by individuals seeking to adopt during the adoption process. This research employed a qualitative approach using thematic analysis. Based on the principle of theoretical saturation, a total of 38 women participated in the study. Data were collected through semi-structured interviews. The analysis of participants' experiences revealed several key challenges, including: legal and policy-related gaps, systemic structural and procedural issues, difficulties related to parenting roles and couple dynamics, challenges arising from interactions with others, issues related to the adopted child, and concerns surrounding disclosure of the adoption. The findings suggest that although adoption may introduce additional complexities into a child's natural developmental process, greater education and awareness about the emotional, psychological, and social implications of adoption can significantly enhance support for adopted children and their families.

Keywords : Adoption,, Parenting, Challenge

Volume info

Vol. 21
Series: 74
Spring 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
30 November 2024

Revised:
01 June 2025

Accepted:
21 April 2026

Published:
10 May 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Cite this Paper: Miley'M & Beiranvand'M. (2026). Challenges of child adoption Requests: a qualitative study in Tehran. Journal of The Women and Families Cultural-Educational. 21(74), 231-256



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).

بررسی چالش‌های فرایند فرزندپذیری: مطالعه کیفی در شهر تهران*

معصومه مایلی^۱ | معصومه بیرانوند^۲

۱. استادیار، گروه مددکاری اجتماعی، پردیس فرزاتگان، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

Email: mmayeli@semnan.ac.ir

Email: m.beiranvand65@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* این طرح تحقیقاتی با استفاده از اعتبار پژوهش (پژوهانه) دانشگاه سمنان با شماره طرح ۱۴۰۳۱۰۴۹ استخراج شده است.

چکیده

فرزندپذیری یکی از راه‌های تجربه والدگری برای زوجین ناباور و روشی برای تضمین یک زندگی با ثبات برای کودکانی است که فاقد والدین زیستی موثر هستند. فرزندپذیری می‌تواند تجربه‌ای عمیقاً پرازش هم برای افراد متقاضی فرزندخواندگی و هم برای این کودکان فراهم آورد، با این حال تصمیم به فرزندپذیری اغلب چالش برانگیز است و هدف پژوهش حاضر شناخت عمیق مسایل و چالش‌های افراد متقاضی فرزندپذیری در طی فرایند فرزندپذیری می‌باشد. این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون یا تماتیک انجام شده است. بر اساس معیار اشباع نظری، تعداد ۳۸ زن در این مطالعه شرکت کردند. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. تحلیل تجارب مصاحبه با مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که خلاءها و چالش‌های قانونی، ساختارها و سازوکارهای سیستمی، چالش‌های مربوط به نقش والدینی و روابط زوجی، چالش‌های مربوط به دیگران، چالش‌های مربوط به فرزندخوانده و چالش‌های مربوط به افشای واقعیت از جمله مهمترین چالش‌های شناسایی شده مشارکت‌کنندگان می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت اگر چه فرزندخواندگی درجاتی از پیچیدگی را به رشد طبیعی کودک اضافه می‌کند، اما با آموزش هرچه بیشتر درباره تأثیر فرزندخواندگی بر رشد عاطفی و روانی و اجتماعی، می‌توان از این کودکان و خانواده‌های فرزندپذیر حمایت کرد.

کلیدواژه‌ها: فرزندپذیری، والدگری، چالش.

سال و شماره

سال ۲۱، پیاپی: ۷۴

بهار ۱۴۰۵

سال و شماره

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۶۴۵-۴۹۵۵

لکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



استناد: مایلی، معصومه، بیرانوند، معصومه (۱۴۰۵). بررسی چالش‌های فرایند فرزندپذیری: مطالعه کیفی در شهر تهران؛

فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده؛ ۲۱(۷۴): ۲۵۶-۲۳۱.

مقدمه و بیان مسئله

تمایل به تشکیل خانواده و فرزندآوری یکی از نیازهای فطری و ذاتی انسانهاست، فرزندآوری و نگهداری فرزند، یک نیاز غریزی بوده و به طور معمول، زوجین پس از ازدواج، تمایل به فرزندآوری دارند به طوری که می‌تواند ادا کرد یکی از مهمترین کارکردهای تشکیل خانواده که در هویت‌بخشی به مفهوم خانواده، نقش اساسی دارد، فرزندآوری است. به دنیا آوردن فرزند در هر ازدواجی اغلب به عنوان یک دستاورد مهم و نشانه آن است که رابطه زناشویی با ثبات و در نتیجه رضایت روانی زوجین است. والد شدن یکی از بزرگترین شادی‌ها و در عین حال دشوارترین چالش‌های زندگی است (اکستروم- برگستروم، ۲۰۲۲). برای اکثر افراد، مفهوم خانواده با تولد فرزند شکل می‌گیرد و فرزندآوری در تقویت تحکیم خانواده نقش مهمی ایفا می‌کند. به همین منوال عشق مادری، ابتدا امری غریزی است. بارداری دوره‌بی‌مانندی در زندگی هر زن است و به عنوان رویدادی که زمینه انتقال یک زن به نقش مادری را فراهم می‌آورد، از اهمیت و حساسیت بالایی در متن خانواده برخوردار است (زغیبی قناد، ۱۴۰۳). تجربه فرزندآوری و تجربه موقعیت والدینی پاسخگوی نیازهای عاطفی و روانشناختی متعددی مانند ایجاد حس نشاط و انگیزه در خانواده، هدفمند کردن زندگی، تجربه کردن نقش والدینی، رشد شخصی، تقویت روابط زوجین و ایجاد رضایت بیشتر از زندگی می‌باشد و می‌توان ادا کرد پدر و مادر شدن می‌تواند یکی از ارزشمندترین تجربه‌های زندگی باشد و شادی، عشق و هدف‌بی‌نظیری را به زندگی فرد هدیه می‌دهد. انگیزه فرزندآوری، موضوع پیچیده‌ای است که دارای ریشه‌های فرهنگی، رفتاری و اعتقادی بوده و در بستر انتقال جمعیتی و توسعه اقتصادی و اجتماعی تغییر می‌یابد (حسینی، ۱۴۰۲). اما برخی از زوجین نمی‌توانند والدگری را به صورت طبیعی تجربه کنند و از طرف دیگر کودکانی هستند که به دلایل مختلف از جمله نداشتن سرپرست موثر، از نعمت داشتن والدین و خانواده‌بی‌نصیب هستند و از آنجا که خانواده از جایگاه اساسی برای تامین نیازهای اساسی کودک، رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی وی، شکل‌گیری هویت فردی و شخصیت کودک و... برخوردار است. محرومیت از داشتن خانواده، خلاءها و تبعات زیادی برای افراد به ارمغان می‌آورد و بدیهی است فرزندان که در محیط خالی از عشق و با دلبستگی خانوادگی کمتر تربیت و بزرگ می‌شوند بیشتر از سایرین در

معرض اختلالات روانشناختی مانند افسردگی و اضطراب، بحران شخصیت، عدم اعتماد به نفس، عدم احساس امنیت، احساس بی‌ثباتی، انزواطلبی و... قرار می‌گیرند. فرزندپذیری به عنوان نهادی قانونی شیوه‌ای از مراقبت کودکان می‌باشد که در آن رابطه والدفرزندی به شیوه‌ای قانونی، عاطفی و اجتماعی بین این دو گروه که هیچ رابطه‌ای به واسطه تولد با یکدیگر ندارند، موجب پیوند بین افراد متقاضی فرزندپذیری و این کودکان است و می‌تواند به نیاز هر دو طرف پاسخ گوید. آمار رو به رشد متقاضیان فرزندپذیری به واسطه افزایش میزان ناباروری و بهبود نگرش جامعه، نشان دهنده مقبولیت فرزندپذیری بین مردم می‌باشد. به گفته مدیرکل دفتر مراقبت و توانمندسازی کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی در سال ۱۴۰۲، آمارر سمیفرزندخواندگی در ایران، در مجموع بیش از ۲۵۰۰ مورد بوده است که حاکی از رشد ۱۰ درصدی میزان فرزندخواندگی نسبت به سال ۱۴۰۰ است. با این که ممکن است انگیزه فرزندآوری امروزی زنان مردان ممکن است تاحدی متفاوت از گذشته باشد و فرزندان، ابژه‌ای برای مصرف عاطفی و در خدمت نیازها، امیال یا خواسته‌های والدین در نظر گرفته شوند (نیازی، ۱۳۹۹) اما بسیاری از والدین هنوز هم فرزندآوری را به عنوان یک ارزش و یکی از بزرگترین خوشبختی‌ها در زندگی خود می‌بینند و آن‌ها را به عنوان میراثی برای نسل‌های آینده و فرصتی برای آموزش و تربیت ارزش‌ها و فرهنگ‌های خاص خود می‌شناسند. به همین دلیل هنگامی که آرزوی فرزنددار شدن با شکست مواجه می‌گردد، افراد با ابهام دوسویه‌ای مواجه می‌شوند (حیاتی، ۱۴۰۳) و برخی برای تجربه حس والدگری و تامین نیازهای عاطفی، فرزندخواندگی را انتخاب می‌کنند. با وجود این که اکثریت قریب به اتفاق والدین فرزندپذیر از تصمیم خود برای فرزندخواندگی راضی هستند، اما گاهی یک دوگانگی روانشناختی بین فرزند بیولوژیک و به دست آوردن فرزند از طریق فرزندخواندگی وجود دارد. تصور اینکه ورود فرزندخوانده با راحتی، موفقیت و رضایت همراه باشد اگر چه مطلوب و خوشبینانه است اما در واقعیت اغلب با فشارهای روانی متفاوت و متعددی همراه است و انتخاب فرزندخواندگی از نظر عاطفی می‌تواند یک تصمیم دشوار برای هر فردی باشد تحقیقات نشان می‌دهد که سطح استرس و اضطراب در والدین فرزندپذیر می‌تواند در مقایسه با سایر والدین بالاتر باشد و این استرس می‌تواند منجر به افزایش ناراحتی روانی در افراد شود. متأسفانه بسیاری از افرادی که می‌خواهند فرزندی را به فرزندخواندگی بپذیرند ترس عمیقی از شکست خوردن دارند. آنها

می‌ترسند که به دلایلی نتوانند بر موانع عاطفی در رابطه با فرزندخوانده غلبه کنند. آنها فقط باید به این حقیقت ایمان داشته باشند که آنها بهترین و تنها والدین واقعی هستند که به کودک رها شده فرصت داده‌اند تا مانند ققنوس بال باز کند و خود را در این دنیا بیابد (ومن سوفی^۱، ۲۰۱۸). در تحقیقات قبلی در مورد فرزندخواندگی به پریشانی‌های روانشناختی والدین از جمله اضطراب، نگرانی از رفتار مشکل ساز کودک، رابطه والد کودک و عملکرد کودک در گروه‌های اجتماعی و در بسیاری از زمینه‌ها اشاره شده است (سلر، باتالن، فیورنزو، مک روی و گروتوانت^۲، ۲۰۱۹). باید در نظر داشت تجربه زندگی در مؤسسات، کودکان را در خطر ضربه‌های اولیه بالاتری برای ابتلا به مسائل رفتاری و هیجانی در مقایسه با کودکان دیگر قرار می‌دهد. کودکانی که به عنوان فرزندخوانده پذیرفته می‌شوند معمولاً دامنه‌ای از تجارب آزار از قبیل آزار جسمی و غفلت توسط والدین زیستی را قبل از فرزندپذیری دارند که بر سازگاری آنان تأثیر منفی می‌گذارد (نوریس^۳، ۲۰۱۶). مسائل سازگاری کودکان و فقدان مهارت‌های فرزندپروری در خانواده‌های فرزندپذیر به عنوان عوامل تنش‌زای پس از فرزندپذیری است که می‌تواند منجر به شکست یا انحلال فرزندپذیری شود (کوزنتسووا^۴، ۲۰۱۱). والدین فرزندپذیر ممکن است شناخت، دانش و مهارت‌های ضروری برای تطابق با نیازهای فرزندخوانده‌ها نداشته باشند (هارکینز^۵، ۲۰۱۴). بدنامی، پیشینه ناشناخته والدین، بیماری‌های ارثی یا ژنتیکی احتمالی، باورهای روانی و مذهبی، مدعی شدن والدین بیولوژیکی، قطع پیوند عاطفی و ترک منزل پس از اطلاع فرزندخوانده از واقعیت (چیکوی^۶ همکاران، ۲۰۲۲) از مهمترین چالش‌های والدین فرزندپذیر می‌باشد. علیرغم اهمیت جمعیت‌شناختی مسئله، تحقیقات اجتماعی در ایران تاکنون به ابعاد آن توجه چندانی نکرده است. بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع فرزندخواندگی در منابع فارسی نشان می‌دهد جهت‌گیری و صبغه عمده این پژوهش‌ها، حقوقی و فقهی بوده و پژوهش‌های اندکی به ابعاد اجتماعی و فرهنگی فرزندخواندگی پرداخته‌اند.

1. Womenosophy
2. Sellers, Battalen, Fiorenzo, Mcroy و Grotevant
3. Norris
4. Kuznetsova
5. Harkins
6. Chikwe

پیشینه پژوهش

در پژوهش کامرانی فکور و همکاران (۱۳۹۸)، مشکلات جسمی و رفتاری کودک، به عنوان عامل علی و ظرفیت‌های کودک و محیط، پیشینه ناگوار کودک پیش از فرزندپذیری و تاثیرات کودکان با نیازهای ویژه، به عنوان عوامل مداخله‌گر، شناسایی شدند. پژوهش علی‌اکبری و توکل (۱۳۸۹)، عدم آمادگی روانی و مردد بودن زوجین برای پذیرش فرزندخوانده را مهمترین مسئله و چالش خانواده‌های فرزندپذیر و نگرانی اساسی آنها را ترک منزل در صورت اطلاع فرزندخوانده از موضوع فرزندخواندگی، عنوان نمود (حسن پور ازغدی و همکاران، ۱۳۹۶). شریانی وزیری و همکاران (۱۴۰۰)، پیشداوری‌های افراد مهم، فشار اجتماعی از طرف افراد جامعه، عدم حمایت اجتماعی توسط بستگان، نگرانی در مورد پیشینه فرزندخوانده را از جمله مهمترین چالش‌های افراد متقاضی فرزندخواندگی شناسایی کرد. اگر چه فرزندخواندگی معمولاً چالش برانگیز است، اما مزایای والد بودن بسیار بیشتر از مشکلات آن است. نتایج (رزاقی و غفاری، ۱۳۹۵) نشان داد بیشتر والدین فرزندپذیر از اقدامشان راضی‌اند و فرزندپذیری را اقدامی تلقی می‌کنند که منتهی به کامیابی خانواده شده است. همان‌طور که اشاره شد تعدد پژوهش در مورد فرزندخواندگی محدود است، لذا با توجه به مباحث فوق و محدود بودن مطالعات انجام شده در زمینه مشکلات و چالش‌های متقاضیان فرزندپروری به ویژه با استفاده از روش کیفی، هدف پژوهش حاضر، بررسی و درک عمیق چالش‌های افراد متقاضی فرزندخواندگی با استفاده از روش تحقیق کیفی می‌باشد.

چارچوب مفهومی:

ملاحظات و حساسیت مفهومی از جنبه‌های اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی در این پژوهش برای پژوهشگر مهم است و با توجه به این جنبه‌ها به برخی از نظریه‌های مرتبط اشاره شده است. نظریه استرس خانواده یکی از چارچوب‌های نظری است که به تحلیل و فهم چالش‌های خانوادگی، از جمله فشارهای روانی که والدین ممکن است در فرآیند فرزندخواندگی با آن مواجه شوند، می‌پردازد. روین هیل^۱ با طرح این نظریه نشان می‌دهد چگونه منابع داخلی و خارجی خانواده می‌توانند رویداد استرس را مهار یا تشدید کند و بر نحوه تفسیر و معنا بخشیدن خانواده به رویداد

1. Reuben Hill

تحریک‌کننده، تأثیر بگذارند. این نظریه بر این اساس استوار است که خانواده‌ها در مواجهه با استرس‌ها و بحران‌ها، منابع خود را ارزیابی و مدیریت می‌کنند تا به تعادل و سازگاری دست یابند و از آنجا که فرزندخواندگی به ویژه در مراحل اولیه که شامل تطابق با نیازها و ماهیت فرزندخواندگی است، منبعی از استرس برای والدین بوده و نیاز به ارزیابی و مدیریت منابع بیشتر ضرورت می‌یابد. این نظریه به شناسایی و تحلیل مولفه‌های استرس (مانند عدم قطعیت، فشارهای مالی، انتظارات اجتماعی و...) و شناسایی استراتژی‌های مقابله کمک می‌کند. والدین ممکن است نیاز به یادگیری مهارت‌های جدید در ارتباط با کودک و مدیریت مسائل رفتاری و عاطفی خود داشته باشند، که می‌تواند منشا فشارهای روانی مضاعفی برایشان شود. والدین باید هماهنگی و تعامل مثبت میان خود و فرزندخوانده را حفظ کنند تا استرس‌های ناشی از فرزندخواندگی را کاهش دهند و به منابع اجتماعی مانند گروه‌های حمایتی، مشاوران و شبکه‌های اجتماعی نیاز دارند تا به بهترین نحو، فشارهای ناشی از فرزندخواندگی را مدیریت کنند.

نظریه نقش اجتماعی فرزندپذیری^۱:

نظریه نقش اجتماعی کرک^۲، اولین نظریه سیستماتیک است که به بیان تفاوت بین سیستم‌های خانواده‌های بیولوژیکی و خانواده‌های فرزندپذیر پرداخته است. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که فرزندخواندگی نه تنها یک فرآیند قانونی است، بلکه به معنای ورود به یک نقش اجتماعی جدید برای هر دو طرف است. این نظریه به وضوح چالش‌های فرزندخواندگی را توضیح داده و تعاملات مختلف بین والدین، فرزندخوانده و جامعه را بررسی می‌کند. با توجه به این که ورود به نقش والدینی به معنای تغییر در روابط بین فردی است، والدین باید با نیازهای عاطفی و احساسی کودک خود آشنا شوند و به آن‌ها در ایجاد ارتباط امن و پایدار کمک کنند. بر اساس این نظریه، دو شیوه پاسخگویی به گزینه فرزندپذیری بین خانواده‌ها وجود دارد. والدینی که این تفاوتها را می‌پذیرند بهتر می‌توانند در رفتار خود تعادل ایجاد کنند. آنها فرزندپذیری را دقیقاً مشابه تجربه والدی بیولوژیکی نمی‌دانند، اما در عین حال، بیش از حد بر این تفاوتها تأکید نمی‌کنند و بر عکس خانواده‌های فرزندپذیری که تفاوت خود با والد بیولوژیکی را نمی‌پذیرند و با ادعای این که مانند

۱. Social role theory of adoption

۲. Kirk

والدین زیستی هستند، از برجسب‌های اجتماعی می‌گیرند و از وظیفه مهم گفتگو با کودکان در باره فرزند‌پذیری خودداری می‌کنند. والدینی که این تفاوتها را می‌پذیرند در دراز مدت نتایج بهتری را هم برای خود و هم برای فرزندشان، به ارمغان می‌آورند و بهتر می‌توانند با نارسایی‌های ذاتی و مشکلات مرتبط با فرزندخواندگی کنار بیایند.

نظریه انتخاب عقلانی^۱

نظریه انتخاب عقلانی، پدیده‌های اجتماعی را برحسب تصمیمات آگاهانه‌ای که افراد با توجه به علاقه و منفعت‌شان می‌گیرند، تبیین می‌کند و معتقد است افراد با محاسبات منطقی بهترین تصمیم را برای حداکثر کردن نفع شخصی خود می‌گیرند و انتخاب‌شان به ترجیحات شخصی و نفع‌شان بستگی دارد. در مورد فرزندخواندگی، متقاضیان، ممکن است تصمیمات خود را بر اساس منافع اقتصادی، اجتماعی و عاطفی تحلیل کنند. این تصمیمات شامل هزینه‌های مالی (مانند هزینه‌های قانونی، پزشکی و تربیتی)، زمان، انرژی و همچنین تأثیرات احتمالی فرزندپذیری بر زندگی اجتماعی و شخصی آنها می‌شود. والدین فرزندپذیر، همچنین بار مسئولیت‌ها و تعهدات والدینی را در تصمیمات خود در نظر می‌گیرند و ارزیابی کنند که آیا این مسئولیت‌ها ارزش انتخاب فرزندخواندگی را دارد یا خیر. از نقطه نظر انتظارات اجتماعی و فرهنگی نیز، با توجه به تاثیر فشارهای اجتماعی و نهادهای فرهنگی، انتخاب‌های خود را بر اساس منافع اجتماعی و تأثیرات آن ارزیابی کنند و ممکن است تصمیم به فرزندخواندگی را به دلیل انتظارات اجتماعی، به مراتب متفاوت از منافع شخصی خود ببینند و از آن منصرف شوند. وجود یا عدم وجود سیستم‌های حمایتی نیز می‌تواند بر تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد. اگر افراد احساس کنند که از حمایت کافی برخوردار نیستند، ممکن است تصمیم به فرزندخواندگی خود را تغییر دهند. بنابراین طبق نظریه انتخاب منطقی، انتخاب خاص متقاضیان تحت تأثیر عواملی مانند اعتقادات مذهبی، جهت‌گیری اجتماعی-فرهنگی، سطح تحصیلات و همچنین توان مالی، منابع اجتماعی و... قرار دارد. در چنین شرایطی، زوجین صرف نظر از اینکه اطرافیان چگونه آنها را

1. Rational choice theor

درک می‌کنند، تصمیمی اتخاذ می‌کنند که بیش از هر چیز برای آنها مناسب است و نیازشان را برآورده می‌کند (چوکوما، ۲۰۱۹، ۲۳).

نظریه دلبستگی

طبق نظریه دلبستگی بالبی^۱، عدم شکل‌گیری دلبستگی ایمن در فرزندخوانده، تحت تاثیر تجارب دلبستگی اولیه، می‌تواند چالش برانگیز باشد. زیرا پیوندهای اولیه، بر نحوه نگرش ما بر روابط نزدیک در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی تأثیر می‌گذارد و تأثیر عمیقی بر روابط و رفتارهای عاطفی فرد در آینده دارد. بنابراین، روابطی که کودکان فرزندخوانده با مراقبان اولیه خود تجربه می‌کنند، احتمالاً بر توانایی آنها در ارتباط با مراقبان جدید خود تأثیر می‌گذارد. کودکانی که روابط اولیه آنها با مراقبان اولیه مخرب یا ناامن است، ممکن است به این دلیل که تجربه‌های اولیه، حس غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اعتماد بودن دیگران را در آنان ایجاد کرده است، در شکل‌گیری دلبستگی ایمن و پیوندهای عاطفی با والدین جدید دچار مشکل شوند. ضمن اینکه مراقبت غفلت‌گرایانه از کودکان در موسسات و یا توسط والدین زیستی، می‌تواند منجر به تاخیرهای تحولی، دشواری در کنترل رفتار و تنظیم هیجانی آنها شود (واسکوز^۲، ۲۰۱۴). بنابراین برای والدین فرزندپذیر، سازگاری با نیازهای خاص کودک و شیوه‌های ایجاد دلبستگی ایمن می‌تواند چالش برانگیز باشد. همچنین زوجین نابارور به احتمال زیاد دلبستگی عاطفی قوی به نقش والد بودن دارند. این افراد ممکن است در جستجوی فرزندخواندگی، به دنبال برآورده کردن نیازهای عاطفی و احساسی خود باشند و در این راستا نظریه دلبستگی می‌تواند به درک عمیق‌تری از این احساسات و نیازها کمک کند. از طرفی ورود به نقش والدینی نیازمند ایجاد روابط دلبستگی جدید است. نظریه دلبستگی می‌تواند به بررسی چالش‌ها و تجارب این زوجین در ایجاد دلبستگی سالم و ایمن به فرزندخوانده کمک کند. این افراد ممکن است با احساسات مختلفی مانند ترس از عدم توانایی در عشق ورزیدن به فرزندخوانده و... دست و پنجه نرم کنند.

1. Bowlby

۲. Vásquez

روش‌شناسی تحقیق

روش اصلی پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت اکتشافی آن، روش کیفی است و کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت مضمونی یا تماتیک است. این روش از طریق تقلیل داده‌های کیفی و طبقه‌بندی آنها سعی در درک معنا دارد و روش مناسبی برای به دست آوردن نتایج معتبر و بینش جدید، از داده‌های متنی است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، روندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی تبدیل می‌کند (زکی خانی و همکاران، ۱۴۰۳). جامعه آماری پژوهش، رازوجین متقاضی فرزندخواندگی مراجعه‌کننده به کلینیک مددکاری اجتماعی و مراکز مشاوره شهر تهران که برای انجام فرایند مشاوره فرزندپذیری، مراجعه و تمایل به همکاری داشتند، تشکیل داده‌اند. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و تا زمان اشباع نظری (تا زمانی که داده‌ها به اشباع رسیدند و اطلاعات جدیدی که به تعریف خصوصیات طبقات کمک کند به دست نیامده و بینش و بصیرت جدیدی حاصل نشد) جمع‌آوری داده‌ها ادامه پیدا کرد. با تاکید بر رعایت اصل رازداری حرفه‌ای و استفاده از اسامی مستعار، اجازه ضبط مصاحبه‌ها و یادداشت‌برداری در طول مصاحبه به عمل آمد. در مجموع ۳۸ مصاحبه انجام شد، اما از مصاحبه ۲۷ به بعد شاهد داده‌های تکراری بودیم. هر مصاحبه، حدود ۳۵ دقیقه الی ۵۰ دقیقه به طول انجامید. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد متن مصاحبه‌ها به وسیله نرم افزار NVivo8 کدگذاری شد. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از اقداماتی مانند درگیری مداوم پژوهشگر با فضای پژوهش 'پایاده سازی سریع مصاحبه‌ها و نسخه نویسی از آن‌ها انجام شد و از تکنیک کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضا (بازبینی مصاحبه‌ها و تایید صحت متون پایاده شده و کدهای استخراج شده توسط مشارکت‌کنندگان) استفاده و از نظر چند نفر استاد دانشگاه استفاده شد. عدم امکان فرزندآوری، نداشتن فرزندزیستی، ارائه درخواست برای فرزندپذیری و تمایل به همکاری، به عنوان معیارهای ورود در نظر گرفته شد ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم رضایت و اعلام انصراف مشارکت‌کنندگان بود.

یافته‌ها

یافته‌ها در قالب یافته‌های توصیفی و یافته‌های تفسیری ارائه شده است. ابتدا توصیفی از ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان ذکر شده و در ادامه، مضامین فرعی و مضامین اصلی تشریح شده‌اند. سن مشارکت‌کنندگان بین ۳۳ الی ۵۴ سال متغیر بود. از نظر میزان تحصیلات، ۷ نفر دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۲ نفر دارای مدرک دیپلم، ۳ نفر دارای مدرک کاردانی، ۹ نفر دارای مدرک کارشناسی، ۵ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۲ نفر دارای مدرک دکترا بودند. در روند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۳۱۷ کد باز ۴۹ مقوله فرعی و ۷ مقوله اصلی «مسائل و چالش‌های قانونی فرزندخواندگی، ساختارها و سازوکارهای سیستمی، چالش‌های مربوط به روابط زوجی، چالش‌های مربوط به نقش والدینی، چالش‌های مربوط به دیگران، چالش‌های مربوط به فرزندخوانده و چالش‌های مربوط به افشای واقعیت» استخراج شد. در ادامه، مضامین اصلی تشریح شده است.

جدول شماره ۱: مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از مصاحبه‌ها

مضامین تعیین‌کننده	مفاهیم بدست آمده	زمینه اصلی
مسائل و چالش‌های قانونی فرزندخواندگی	به رسمیت شناخته نشدن نهاد فرزندخواندگی، مشکلات محرمیت، همیشگی نبودن حکم دادگاه برای سرپرستی، ابهامات قانونی، ولی‌دم نبودن، مسئله ارث، ثبت حکم سرپرستی در شناسنامه فرزند، عدم منع قانونی برای ازدواج با فرزندخوانده	چالش‌ها
ساختارها و سازوکارهای سیستمی	به رسمیت شناخته نشدن خواسته‌ها و نیازهای مراجعین، عدم ایجاد آمادگی روانی لازم در زوجین متقاضی فرزندخواندگی، عدم موفقیت در احراز صلاحیت توسط سیستم، نحوه تعامل کارشناسان و متخصصان، ضعف نظارت بر مراکز ارائه‌کننده خدمات، تحت نظارت دائمی قرار داشتن، طولانی بودن پروسه فرزندخواندگی، بی‌اعتمادی به سیستم ارائه‌کننده خدمات	
چالش‌های مربوط به روابط زوجی	عدم اطمینان از ثبات روابط با همسر، عدم اطمینان از همراهی همسر، نگرانی از تاثیر سوء فرزندخوانده بر روابط زوجی، احساس گناه در رابطه با همسر	

زمینه اصلی	مضامین تعیین کننده	مفاهیم بدست آمده
چالش‌های مربوط به نقش والدینی	راهبردهای تربیتی و کمبود مهارت والدینی، احساس دوگانگی عاطفی، عدم شکل‌گیری صمیمیت والد فرزندی، احساس بی‌کفایتی، از دست دادن رویای داشتن فرزند بیولوژیکی، قطع رابطه والد فرزندی، احساس ناامنی (عدم اطمینان از جایگاه والدینی خود در نزد کودک)، تردید در توانایی پذیرش هویت و نقش والدینی	
چالش‌های مربوط به دیگران (جامعه)	عدم همراهی خانواده‌ها، انگ و برچسب زدن به کودک و والدین، نحوه قضاوت دیگران، مداخله دیگران در نحوه تربیت فرزندخوانده، محدود شدن دایره ارتباطات، برخورد جامعه با فرزندخوانده	
چالش‌های مربوط به فرزندخوانده	پیشینه فرزندخوانده، سلامت جسمی، سلامت روانی، جنسیت، سن کودک، سابقه طرد و عدم پذیرش کودک از طرف متقاضیان قبلی، مشروعیت کودک، مشکل در سازگاری فرزند خوانده، عدم شکل‌گیری احساس تعلق در فرزندخوانده	
چالش‌های مربوط به افشای واقعیت	تأثیر افشای واقعیت بر کودک، تظاهر به خانواده بیولوژیک، مشکل در هویت یابی فرزند، نحوه برخورد جامعه با واقعیت فرزندخواندگی	

مسائل و چالش‌های قانونی فرزندخواندگی

مسائل و چالش‌های قانونی دربردارنده مفاهیمی است که مربوط به قوانین فرزندخواندگی و خلاءهای آن اشاره دارد. یکی از این چالش‌ها، مجاز بودن ازدواج با فرزندخوانده است. "شوهرم می‌گه فقط دختر باشه، منم مشکلی نداشتم، اما یه جا خوندم که شوهر میتونه با دختری که از بهزیستی میاره ازدواج کنه، مثل اینکه چندباری اتفاق افتاده... فاجعه است... مشاورم تایید کرد یه جورایی گفت خانوما بیشتر دختر میخان اما دارن ریسک میکنن" (کارشناسی، خانه دار، ۳۵ ساله) طبق اصول فقهی، نسب فقط از طریق ولادت مشروع ایجاد می‌شود، بنابراین از طریق فرزندخواندگی قانونی، نسب ایجاد نمی‌شود. به همین منظور متقاضیانی که فرزندی را به سرپرستی قبول می‌کنند، بین آنها فرزند خوانده، آثار قرابتی مانند حرمت حاصل از ازدواج به وجود نمی‌آید و

ممکن بودن ازدواج با پدرخوانده، یکی دیگر از مشکلات و نگران‌های مشارکت‌کنندگان بود. با وجود این که ازدواج فرزندخوانده با سرپرست، تنها در شرایطی خاص آن هم با اجازه حاکم شرع و دادگاه انجام می‌شود، صرف وجود این ماده قانونی روابط پدر و فرزند را معشوش و همچنین رغبت به پذیرفتن فرزندخوانده را کمتر می‌کند و به نظر می‌رسد این قانون، خلاف عرف متداول جامعه و دارای تبعات روانی اجتماعی متعدد و آسیب‌زننده‌ای باشد.

یکی دیگر از چالش‌های قانونی دیگر مربوط به قوانین ارث می‌باشد.

"با بعضی قانونا‌شون نمیتونم کنار پیام به ما گفتن باید یک‌سوم اموالتون رو به نفع بچه صلح کنید. بابا این چه کاریه همش به آدم تلقین میکنن که این بچه، بچه واقعی تو نمیشه من دلم میخاد مثل بچه بقیه، بعد از مرگم ازم ارث ببره" (کارشناسی ارشد، کارمند، ۴۱ ساله)

طبق قانون حاکم بر جامعه، نسب و سبب موجبات تقسیم ارث است و کسانی با هم قرابت نسبی دارند که با هم رابطه خونی مشروع داشته باشند و چون فرزندخوانده رابطه نسبی و خونی با والدین جدید ندارد، حق ارث بردن از ید دیگر را ندارند. البته سازمان بهزیستی برای رفع این مشکل از متقاضیان می‌خواهد به منظور تأمین منافع مادی و معنوی کودک، اموالی را در قالب صلح یا عقود دیگر به فرزندخوانده انتقال دهند که برای اغلب متقاضیان غیر متعارف است و حس متفاوت و غیر طبیعی بودن را به آنان القا می‌کند.

ولی دم نبودن والدین غیر زیستی یکی دیگر از چالش‌های متقاضیان در جریان مصاحبه‌ها بود. " ما‌ها از نظر قانون ولی دم نمیشیم و قانون مثل پدر و مادر واقعی با ما رفتار نمیکنه. از نظر قانون اون پدر و مادری که تو بچگی ولش کردن صاحب حقه... تازگیا یه فرزندخوانده رو کشتن، بدبخت پدر و مادرشکه ۲۰ سال بزرگش کردن به هردری زدن نتونستن قاتلو قصاص کنن چون سرو کله مادر دختره که معتاده پیدا شده با گرفتن پول دیه رضایت داده" (کارشناسی، معلم، ۴۶ ساله).

طبق قانون پدر و مادر واقعی هر فردی، ولی دم وی محسوب می‌شوند و پدرخوانده و مادرخوانده، اولیای دم محسوب نمی‌شوند و این مسئله یکی از نگرانی‌ها و چالش‌های مشارکت‌کنندگان بود که از نظر قانونی، به عنوان والدین رسمی و قانونی فرزندخوانده، شناخته نمی‌شوند.

مسئله قید کردن حکم سرپرستی در توضیحات شناسنامه کودک یکی دیگر از چالش‌های فرزند

است.

"به این بچه‌ها شناسنامه میدن اما تو شناسنامه مینویسن این شناسنامه بنا به درخواست آقای فلانی (یعنی شوهرم) صادر شده خوب اون بچه چه حسی پیدا میکنه فردا جامعه چه برخوردی باهاش میکنه آینده اش چی میشه هر چی باشه هنوز تو جامعه ما این قضیه جا نیفتاده" (کارشناسی ارشد، مترجم، ۳۹ ساله)

طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست، وقتی حکم فرزندخواندگی صادر می‌شود، در قسمت توضیحات شناسنامه ذکر می‌شود که این نام ناشی از حکم سرپرستی بوده و اگر والدین کودک مشخص باشند، نام آنها هم ذکر می‌شود. ثبت مفاد حکم سرپرستی در شناسنامه کودک می‌تواند منجر به مشکلات و تبعاتی برای فرزندخوانده شود زیرا هرجایی که نیاز به احراز هویت توسط شناسنامه است، موضوع فرزندخواندگی وی مشخص شود که ضرورتی نداشته و فرد را در معرض قضاوت دیگران قرار داده و اصل رعایت حریم خصوصی فرد را زیر سوال برده و احساس ناخوشایندی را در وی ایجاد می‌کند.

چالش ساختارها و سازوکارهای سیستمی

این مقوله به چالش‌هایی اشاره دارد که به فرایند درخواست فرزندپذیری و سازوکارها و تعاملات سیستم و متقاضیان فرزندخواندگی مرتبط است. یکی از این چالشها عدم ایجاد آمادگی روانی در متقاضیان فرزندخواندگی می‌باشد. یکی از کارکردهای مهم جلسات مشاوره فرزندخواندگی، بررسی صلاحیت متقاضیان فرزندخواندگی و ایجاد آمادگی روانی لازم در آنان است. طبق دستورالعمل سازمان بهزیستی (به عنوان متولی امر سرپرستی فرزندان فاقد سرپرست موثر) شاخص‌های ارزیابی افراد متقاضی فرزندخواندگی شامل ارزیابی سلامت روان (مصاحبه بالینی و انجام آزمون‌های روانشناختی)، ارزیابی فقدان، سوگ ناشی از ناباروری، بررسی انگیزه، بررسی روابط متقابل زوجین، بررسی روابط زوجین با خانواده‌ها، آشنایی زوجین با مهارت‌های فرزندپروری، بررسی نگرش زوجین به موضوع محرمیت و مشروعیت، بررسی ویژگی‌های رفتاری و مهارتی زوجین و بررسی سطح آگاهی زوجین از مشکلات فرزندخواندگی می‌باشد که به نظر می‌رسد به صورت جامع، مسایل مهم در موضوع فرزندخواندگی را تحت پوشش قرار داده است. اما طبق

مصاحبه‌های انجام شده کیفیت پایین جلسات مشاوره چالش‌هایی را برای مشارکت‌کنندگان ایجاد کرده است.

"من خودم دکترای روانشناسی دارم انتظارم این بود که از نظر روانی مارو برای پذیرش فرزند خوانده آماده کنن، ما رو با چالش‌هاش آشنا کنن.... مخصوصا همسرمن چون فرزندخواندگی بیشتر خواست من بود....اما با کمال تاسف فقط ۱۰ جور تست از ما گرفتن که حتی جواب به تست و برامون تحلیل نکردن. این سوء استفاده مالی، ما مجبوریم سکوت کنیم تا به موقع باهامون لج نکنن." (دکتری، روانشناس، ۳۹ ساله)

از طریق جلسات مشاوره ساختاریافته، درمانگران می‌توانند ترس‌ها، ناامنی‌ها و باورهای نادرستی را که ممکن است مانع پذیرش فرزندخوانده، برقراری ارتباط موثر و تربیت صحیح والدین شود، برطرف کنند. با فراهم کردن فضای امن برای مراجعان برای کشف نگرانی‌ها و عدم قطعیت، درمانگران می‌توانند آنها را به سمت اصلاح باورهای نادرست راهنمایی کنند. علاوه بر این، درمانگران می‌توانند استراتژی‌ها، ابزارها و تکنیک‌های عملی را برای تقویت مهارت‌های فرزندپروری و ارتقای روابط مثبت والدکودک ارائه دهند.

یکی دیگر از چالش‌ها، احساس بی‌قدرتی و به رسمیت شناخته نشدن خواسته‌ها و نیازهای مراجعین می‌باشد.

"میدونم که سالهای اولیه، حتی دوره بارداری چقدر تو شکل‌گیری شخصیت بچه موثره به همین دلیل ازشون خواستیم که نهایتا بچه ۶ ماهه به من بدن تا حداقل ما بتونیم شخصیت سالمتری براش بسازم اما با تندی گفتن که شما تصمیم گیرنده نیستید.... نه خواست ما اهمیت داره نه نظر ما چون ما مشکل داریم همه به خودشون اجازه میدن هرجوری که دلشون میخاد با ما برخورد کنند" (کارشناسی ارشد، کارمند، ۴۰ ساله).

از آنجا که شناخت و رسیدگی به نیازها و خواسته‌های مراجعین فرزندخواندگی، جنبه حیاتی در ارتباط با آنان و ارائه خدمات موثر دارد، عدم درک این نیازها می‌تواند منجر به کاهش اعتماد به سیستم ارائه‌کننده خدمات، نارضایتی و مانع از ارتباط موثر آنان گردد، این چالش اغلب با موانع بروکراتیک، کمبود منابع و ارتباطات ناکارآمد در این نهادها تشدید می‌شود. شناخت و اعتبار بخشیدن به نیازها و خواسته‌های برآورده نشده و افراد توسط نهاد متولی فرزندخواندگی در تقویت

رابطه آنان به ویژه در ادامه مراحل فرزندخواندگی بعد از استقرار کودک در خانواده، بسیار مهم و حیاتی است. زمانی که مراجعین احساس می‌کنند خواسته‌ها و نیازهای آنها به رسمیت شناخته نمی‌شود، احساس سرخوردگی و بی‌اعتمادی می‌کنند.

"بعد این دنگ و فنگا تصمیم گرفتیم اینترنت آگهی بدیم. ۱۰۰ تومن واسه نوزاد دختر، ۸۰ تومن واسه پسر خرج میکنیم بچه رو صاحب میشیم دیگه این دنگ و فنگا رو نداریم آقا بالاسری هم نداریم" (دیپلم، خانه دار، ۳۵ ساله)

چالش‌های مربوط به روابط زوجی

این چالش‌ها به روابط بین زوجین و تاثیر احتمالی فرزندپذیری بر روابط زوجین مربوط می‌شود. یکی از این چالش‌ها عدم اطمینان از ثبات رابطه با همسر است.

"من خیلی به زندگیمون خوشبین نیستم چون خیلی با هم تفاهم نداریم خیلی بحث طلاق بین ما بودم حتی اگر نخوایم جدا بشیم این وسط به خاطر دعواها مون بچه آسیب می‌بینه" (کاردانی، کارمند فروش، ۳۸ ساله).

قبول سرپرستی کودک می‌تواند منبع تازه‌ای از استرس باشد و سختی‌ها و فشارهای مضاعفی به زندگی مشترک زوجین وارد کند. اگر رابطه زوجین پایدار و متعادل نباشد ورود فرزندخوانده می‌تواند شرایط را بدتر می‌کند. رفتار مسئولانه این است که اگر زوجین دارای اختلافات جدی هستند و آینده رابطه شان مشخص نیست، اقدام به فرزندپذیری نداشته باشند و بعد از حل مشکلات و رسیدن به ثبات در این زمینه برنامه ریزی کنند زیرا سطوح بالای تعارض و بی‌ثباتی در بین زوجین می‌تواند باعث ایجاد احساس ناامنی و عدم اطمینان در فرزندخوانده شود. ترس از دست دادن یکی از والدین یا گرفتار شدن در وسط اختلافات آنها می‌تواند باعث ناراحتی عاطفی، ناامنی، اضطراب و مشکلات جدی در فرزندخوانده شود. البته یکی از وظایف مراکز مشاوره، بررسی رضایت از زندگی مشترک زوجین و ثبات و پایداری رابطه می‌باشد.

نگرانی از تاثیر سوء فرزندخوانده بر روابط زوجی یکی دیگر از مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها بود.

"رابطه من و شوهرم تازه بعد از چند سال زندگی افتاده رو روال و به ثبات رسیده، می‌ترسم اومدن یه بچه‌ها این شرایطو سختی‌هاش باعث بشه از هم فاصله بگیریم و دیگه اولویت همدیگه نباشیم (دکتر، پزشک، ۴۴ ساله).

درست است که ورود فرزندخوانده می‌تواند با ایجاد استرس و فشار، تأثیر منفی بر روابط و صمیمیت بین زوجین داشته باشد و تمرکز را از طرف مقابل به سمت نیازها و خواسته‌های کودک سوق داده و تعادل و پویایی روابط زوجین را متاثر و منجر به احساس غفلت، رنجش و کاهش ارتباط عاطفی بین زوجین شود، اما وجود راهکارهایی مانند برقراری ارتباط موثر با همسر، مرزبندی روابط با فرزندخوانده، استفاده از کمک مشاور و روانشناس و در اولویت قرار دادن رابطه با همسر برای حفظ صمیمیت می‌تواند کمک‌کننده باشد. برای انجام این کار، تعریف واضح انتظارات، احترام گذاشتن به احساسات و نظرات یکدیگر و برقراری ارتباط صریح و صادقانه اهمیت دارد. اختصاص زمان، گوش دادن فعالانه به یکدیگر اجزای کلیدی در ایجاد مرزهای سالم هستند.

چالش‌های مربوط به نقش والدینی:

چالش‌های مربوط به نقش والدینی در بردارنده مفاهیمی است که به نوعی مربوط به چالش‌های نقش والدگری و رابطه والدفرزندی و وظایف و انتظارات و مسئولیت‌ها می‌باشد. یکی از این چالش‌ها دوگانگی عاطفی می‌باشد. دوسوگرایی عاطفی به احساسات پیچیده عشق و محبت در هم تنیده با ناامیدی، رنجش یا سردرگمی نسبت به فرزند خوانده اشاره دارد. این پدیده معمولاً توسط والدینی که تلاش می‌کنند نقش خود را در پویایی خانواده ایفا کنند، تجربه می‌شود.

"با گرفتن بچه از بهزیستی، دیگه باید آرزوی پدر و مادر واقعی بودنو فراموش کنیم. میدونم هیچی جای بچه خونی آدمو نمیگیره اما بازم بهتر از تنهاییه... خودمم نمیدونم دارم چیکار میکنم دوست دارم از تنهایی در پیام اما الان روحیه و توانی ندارم. شک دارم بتونم با خودم کنار بیام" (دیلم، خیاط، ۳۶ ساله)

یکی دیگر از مفاهیم حاصل از مصاحبه‌ها عدم تجربه والدفرزندی مثبت با والدین خود می‌باشد.

"من شخصا خیلی از خانوادم ضربه خوردم خاطرات بدی از بچگی خودم دارم حالا من از خوشن بودم... به خاطر همین نمی خواستم هیچ وقت بچه بیارم.. میترسم نتونیم پدر و مادر خوبی واسه اون بچه باشیم" (سیکل، خانه دار، ۴۲ ساله).

تأثیر داشتن والدین سمی بر سبک فرزندپروری یک فرد عمیق و چندوجهی است. کودکانی که توسط والدین بدسرپرست یا سهل انگار بزرگ می شوند، اغلب رفتارها و باورهای مضر را درونی می کنند و چرخه ای از اختلالات را در خانواده خود تداوم می بخشند. این افراد ممکن است برای ارائه محبت، حمایت و راهنمایی فرزندان خود برای رشد و شکوفایی، به دلیل نداشتن الگوهای سالم دچار تنش شوند. علاوه بر این، کودکانی که در محیطی مملو از مسمومیت و فرزندپروری منفی بزرگ می شوند، ممکن است عزت نفس پایین، مکانیسم های مقابله ای ناسالم و مشکلات جدی در ایجاد دلبستگی ایمن با دیگران، داشته باشند.

از دست دادن رویای داشتن فرزند بیولوژیکی و پذیرش واقعیت ناباروری و احساسات دردناک مربوط به ناباروری، برای افرادی که به دنبال تجربه احساس والدینی از طریق فرزندخواندگی هستند، تجربه ای عمیقاً عاطفی و پیچیده است. میل به داشتن فرزند بیولوژیکی ریشه در انتظارات اجتماعی یا باورهای شخصی در مورد ارتباط خونی دارد. این افراد هنگامی که با ناباروری یا سایر چالش ها ممکن است احساس غم، از دست دادن امید و آرزو و ناامیدی کنند.

"من به شوهرم گفتم از وقتی به ما گفتن که دیگه امیدی به بچه دار شدن شما نیست، افسرده و عصبی شدم. همه گفتن تنها راهت اینه که بری از بهزیستی بچه بگیری اما گفتنش آسونه این یعنی ما باید آرزوی داشتن بچه از خودمون رو به گور ببریم" (دیپلم، خانه دار، ۳۶ ساله).

چالش های مربوط به دیگران (جامعه)

این دسته بندی مربوط به چالش هایی است که با جامعه و دیگران در ارتباط است. یکی از این چالش ها ارزیابی، قضاوت و انگ های اجتماعی می باشد. ممکن است تصورات و پیشداوری های نادرستی در مورد آن وجود داشته باشد که منجر به قضاوت و انتقاد دوستان، خانواده و حتی غریبه ها شود و احساس انزوا و شرمندگی را برای کسانی که مراحل پذیرش را طی می کنند ایجاد کند و لایه ای از استرس و دشواری را به آنان تحمیل کند.

یکی از چالش‌های مهم افراد متقاضی فرزندخواندگی، متقاعد کردن خانواده برای حمایت از تصمیم آنها برای سرپرستی فرزندخوانده می‌باشد. بسیاری از خانواده‌ها ممکن است در مورد خطرات و مشکلات بالقوه مرتبط با فرزندپروری، از جمله عوارض عاطفی و اجتماعی که می‌تواند بر فرد و اعضای خانواده آنها وارد کند، نگران باشند. علاوه بر این، انگ‌های فرهنگی، قضاوت اجتماعی و باورهای نادرست پیرامون فرزندخوانده ممکن است روند کسب تأیید و همراهی خانواده را پیچیده‌تر کند.

"خانواده هامون پشتمون نیستن مخصوصا خانواده خودم میگن طلاق بگیر مشکل از شوهرته چرا میخای خودتو پاسوز شوهرت کنی، اگر مشکل از تو بود تا الان زن گرفته بود، هیچی بچه خود آدم نمیشه... میترسم طردمون کنن یا نتونن بچه رو قبول کنن یا باهاش ارتباط بگیرن" (کاردانی، بهیار، ۴۲ ساله)

یکی از چالش‌برانگیزترین جنبه‌های تربیت فرزند خوانده، مشکل دخالت دیگران در تصمیم‌گیری‌های والدین است. والدین فرزندپذیر اغلب مجبورند نظرات خانواده‌ها، اطرافیان و حتی غریبه‌ها را که ممکن است پویایی منحصر به فرد و چالش‌های موجود در فرزندخواندگی را به طور کامل درک نکنند، بررسی کنند. این امر می‌تواند موجب سردرگمی شود و اقتدار آنها را در تربیت فرزند تضعیف کند. برای والدین فرزندخوانده ضروری است که استقلال خود را اعلام کنند و مرزهای مشخصی را با دیگران ایجاد کنند.

"مادر واقعی هر کار بکنه حرفی توش نیست ولی مادرخونده رفتارش، ظاهرش، لباس پوشیدنش بیشتر تو چشمه. شاید اگر بچه خونی خودم بود راحتتر دعواش میکردم اما الان حتی از دعوا کردنش میترسم هم حرف و نصیحت مردم هم میگم امانت خداست، خدا قهرش میگیره" (دیپلم، راننده اسنپ، ۳۷ ساله)

چالش‌های مربوط به فرزندخوانده:

این چالش‌ها در بردارنده مفاهیمی است که به فرزندخوانده و شرایط وی مرتبط است. یکی از این چالش‌ها، سابقه طرد و عدم پذیرش کودک از طرف متقاضیان قبلی است. فرزندخوانده‌ها، به ویژه کودکانی که در سنین بالاتر به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند ممکن است دامنه‌ای از تجارب منفی از قبیل آزار جسمی، بی‌توجهی و غفلت در محیط خانواده بیولوژیک و یا زندگی موسسه‌ای

را تجربه کنند که بر سازگاری آنان تأثیر منفی می‌گذارد. کودکانی که بعد از سال‌ها مراقبت ناکافی و نامنظم به فرزندی گرفته می‌شوند، مشکلاتی را در کنترل بازدارنده، توجه، پرخاشگری و دیگر جنبه‌های خودتنظیمی هیجانی و رفتار دارند. تحقیقات نشان داده است که این کودکان به دلیل نداشتن مراقب دائمی و پاسخگو، زمانی که به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند، رفتارهای اجتماعی و یا صمیمت نامتمايز را از خود بروز می‌دهند.

شرکت‌کننده شماره ۲۷، "من و شوهرم سنمون زیاد گفتن که بچه بالای ۶ سال میدن ممکنه ۱۲ ساله هم بدن خوب من میترسم که نتونیم کنترلش کنیم اون چند سال تو بهزیستی بزرگ شده ممکنه هزار جور مشکل داشته باشه، چندتا خونواده برده باشنش و به دلیلی پشش داده باشن، حالا بماند که بر خورد با نوجون دردسرای خاص خودشو داره" (دیپلم، خانه دار، ۴۸ ساله).

مشروع بودن فرزندخوانده یکی دیگر از مفاهیم شناسایی شده در جریان مصاحبه‌ها بود. "من خودم خیلی مذهبی و سنتی نیستم اما خانواده همسرم خیلی مذهبین خواهر شوهرم گفت از کجا میدونی این بچه مشروعه، بهش اهمیت ندادم اما ته دلم نگرانم که تاثیر بزاره رو شوهرم یا تو نگاه خودشون به بچه" (کارشناسی، معلم، ۳۶ ساله).

در فرهنگ ایرانی، باورهای سنتی در مورد مشروعیت کودک، عمیقاً ریشه دوانده است. البته در جوامع غربی نیز که شاهد شمولیت و پذیرش ساختارهای متنوع خانواده هستیم، این باورهای فکری مربوط به موضوع مشروعیت فرزندخوانده همچنان بر ادراکات مربوط به مشروع بودن یا نبودن فرزندخوانده و پذیرش آنان، تأثیرگذار و چالش برانگیز است.

"اونجا به ما گفتن این بچه‌هایی که تو بهزیستی هستن پدر و مادرشون مردن یا طلاق گرفتن این یعنی مشروعهن باید مطمئن بشیم مشروعهن و گرنه قبول نمیکنیم" (دیپلم، خانه دار، ۳۵ ساله)

عدم شکل‌گیری احساس تعلق خاطر در فرزندخوانده نیز برای زوجین نگران‌کننده و چالش برانگیز است. کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند ممکن است با فقدان حس تعلق مواجه شوند که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر رشد و رفاه آنها داشته باشد. عدم شکل‌گیری حس تعلق در فرزندخوانده می‌تواند پیامدهای قابل توجهی بر رشد و سازگاری آنها داشته باشد. عدم شکل‌گیری احساس تعلق در فرزندخوانده می‌تواند منجر به احساس انزوا، طرد، عدم یکپارچگی و بحران هویت گردد.

"میتروسم اون عشق و صمیمیتی که بین پدر و مادرای واقعی به وجود میاد بین ما به وجود نیاد. نه اون بتونه ما رو به عنوان پدر و مادر قبول کنه نه ما"
احتمال بروز اختلالات ارثی در مراحل بعدی زندگی مانعی پیچیده و دلهره آور برای متقاضیاناست.

"ترس و وحشت و مرکز مشاوره‌ای که رفتم به مشاور داشت صحبت می‌کرد با حرفاش ته دل آدمو خالی می‌کرد مثلاً میگفت این بچه‌ها ممکنه قلبشون سوراخ باشه، بعداً نشون بده یا ۵ سالگی بیماری ژنتیکشون مشخص بشه، بیش فعال باشه و... " (دیلم، آرایشگر، ۳۴ ساله)
عوامل ژنتیکی می‌توانند افراد را مستعد ابتلا به اختلالات و بیماریهای خاصی مانند اسکیزوفرنی، اختلال دوقطبی، افسردگی و... کنند. این استعدادهای ژنتیکی می‌توانند با عوامل محیطی، مانند ضربه، استرس یا سوء مصرف مواد، برای شروع این اختلالات تعامل داشته باشند.
"شوهرم میگه، یکی از دوستاش فرزندخوانده گرفته ۱۰ سالی میشه، الان فهمیده بچه مشکل روانی داره تو بچگی گذاشتن رو حساب بیش فعالی و اینا... واقعا بعد این همه بدبختی هیچکی دلش نمیخاد به بچه‌ای بیاد که مشکل روانی داره" (کارشناسی، خانه دار، ۴۰ ساله).
در این خصوص باید اشاره کرد اگرچه بسیاری از اختلالات روانی تحت تأثیر ژن‌ها قرار دارند اما شواهد نشان می‌دهند که عوامل محیطی و روان‌شناختی نیز نقش مهمی در بروز آنها ایفا می‌کنند. هیچ ژن واحدی به تنهایی مسئول ایجاد یک اختلال روانی نیست. بلکه ترکیبی از عوامل ژنتیکی، عوامل محیطی، تجربیات زندگی، سبک زندگی عوامل روان‌شناختی در بروز این اختلالات نقش دارند. برخی از ژن‌ها می‌توانند احتمال ابتلا به یک اختلال خاص را افزایش دهند، اما این به معنای قطعی ابتلا به آن اختلال نیست.

چالش‌های مربوط به افشای واقعیت:

بازگو کردن واقعیت فرزندخواندگی به فرزندخوانده و نحوه انجام آن یکی از بزرگترین چالش‌های مورد اشاره متقاضیان فرزندخواندگی می‌باشد که یکی از موارد مهم و از حساس‌ترین اقداماتی است که والدین بعد از پذیرش سرپرست کودک با آن مواجه می‌شوند. این مسئله به دلیل عوامل فرهنگی و تفاوت‌هایی که در خرده فرهنگ‌های گوناگون وجود دارد، ممکن است با

چالش‌های بیشتری همراه باشد. از نظر روانشناسی بهتر است واقعیت فرزندخواندگی با کودک در میان گذاشته شود، زیرا در درجه اول این حق طبیعی هر انسانی است که از داستان زندگی خود آگاهی یابد و از طرف دیگر پنهان نگه داشتن این موضوع فشار روانی زیادی را بر والدین تحمیل خواهد کرد. پنهان کردن اقیعت و یا حتی به موقع بیان نکردن آن و انتخاب روش‌های نامناسب و غیرعلمی، با آسیب‌های جبران ناپذیری همراه است.

"ترس اصلی من از زمانیه که باید حقیقت رو به بچه بگم ترس و کابوس اون روز ولم نمیکنه میترسم قصر رویاهایی که واسه اون بچه و خودمون ساختمیم آوار شه سرمون"
تظاهر به خانواده بیولوژیک:

"من و شوهرم قراره فیلم‌بازی کنیم که انگار خودمون بچه رو به دنیا آوردیم ۷ ماه میریم خارجی جایی بعد با یه نوزاد برمی گردیم حتی خانواده هامونم نباید بدونن مثل یک خانواده واقعی نقش بازی می کنیم. همین که کسی ندونه برامون کافیه" (کارشناسی، حسابدار، ۳۵ ساله).
یکی از مهمترین دلایلی که موجب تظاهر به خانواده بیولوژیک می‌شود، نگرانی افراد از قضاوت‌های جامعه و اطرافیان، فشارهای اجتماعی پیچیده و تمایل به فرار از قضاوت اجتماعی است. این موضوع به ویژه در جوامع سنتی، می‌تواند متقاضیان را در معرض قضاوت، ترحم و انتقاد دیگران قرار دهد. افراد با تظاهر به خانواده بیولوژیک، می‌توانند از این ادراکات منفی دوری کنند و حس پذیرش اجتماعی را بیشتر از قبل احساس کنند.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی چالش‌ها و مشکلات زوجین متقاضی فرزندخواندگی می‌باشد. این مطالعه با تمرکز بر تجربه زیسته این افراد و به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. تحلیل داده‌ها نشان داد که چالش‌های اصلی شامل: خلأهای قانونی و ساختاری، نارسایی در سازوکارهای سیستمی، مسائل مرتبط با نقش‌های والدینی و روابط زوجی، فشارهای اجتماعی، مسائل مربوط به کودک فرزندخوانده و موضوع افشای واقعیت فرزندخواندگی هستند. نتایج این تحقیق با یافته‌های پیشین نیز همخوانی دارد؛ به عنوان مثال، ترس از قضاوت و برجسب اجتماعی در مطالعات چیکوی و شرعیانی، نگرانی درباره بیماری‌های جسمی و ژنتیکی در پژوهش علی اکبری،

و دغدغه‌های مرتبط با افشای واقعیت در مطالعات علی‌اکبری، توکل، چیکوی و حسن‌پور ازغدی نیز گزارش شده‌اند. همچنین ضعف در حمایت اجتماعی (شرعیانی) و ناآمادگی روانی (علی‌اکبری) از دیگر چالش‌های مطرح‌شده بودند. از آنجایی که این تحقیق با رویکرد کیفی انجام شده، توانسته است ابعاد مختلف فرآیند فرزندخواندگی را به‌طور عمیق و جامع واکاوی کند. بررسی هم‌زمان چالش‌های فردی (احساسات و تجربیات)، اجتماعی (نگرش جامعه و چارچوب‌های قانونی) و فرهنگی (سنت‌ها و باورهای رایج) امکان ارائه یک تحلیل چندبُعدی از وضعیت موجود را فراهم ساخته است. در نتیجه، یافته‌های این مطالعه می‌تواند به‌عنوان مرجعی علمی برای سیاست‌گذاران و نهادهای اجتماعی و تصمیم‌گیرمورد بهره‌برداری قرار گیرد و در بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با فرزندخواندگی نقش مؤثری ایفا کند. با وجود تفاوت‌هایی که میان کودکان بیولوژیک و فرزندخوانده وجود دارد، ایجاد پیوند عاطفی امن با کودک، برای تأمین حس امنیت، تعلق خاطر و رشد عزت‌نفس، ضرورتی انکارناپذیر است. اگرچه اصول کلی تربیت کودک در هر دو گروه مشابه است، اما نباید از این نکته غافل شد که کودکان فرزندخوانده معمولاً با پیچیدگی‌های بیشتری در مسیر رشد مواجه هستند. این پیچیدگی‌ها، به‌ویژه در ابعاد روانی، عاطفی و اجتماعی، نیازمند آگاهی و آموزش بیشتر خانواده‌های فرزندپذیر است تا بتوانند با آمادگی کامل، حمایت لازم را از فرزند خود به عمل آورند. عشق، احترام و حمایت به‌عنوان ارزش‌های انسانی مشترک، باید در تربیت تمام کودکان مورد توجه قرار گیرد. رعایت این اصول می‌تواند به رشد شخصیتی سالم و قوی در هر دو گروه منجر شود و مسیر پیشرفت آن‌ها را هموار سازد. در همین راستا، یکی از موارد مهمی که باید در آموزش خانواده‌های فرزندپذیر گنجانده شود، توانایی بازشناسی و پذیرش تفاوت‌هایی است که آنان را از سایر خانواده‌ها متمایز می‌کند. خانواده‌هایی که این تفاوت‌ها را درک می‌کنند و نسبت به آن‌ها آگاهانه عمل می‌نمایند، معمولاً با چالش‌های کمتری مواجه می‌شوند و بهتر می‌توانند در روابط خانوادگی خود تعادل ایجاد کنند. متقاضیان فرزندپذیری باید توانایی تفکیک تجربه والدشدن از تجربه بارداری را داشته باشند و با ارزیابی نیازهای روانی خود، آمادگی لازم برای ورود کودک به خانواده را به‌دست آورند. مشاوره‌های تخصصی در زمینه فرزندپروری، نقش مهمی در آماده‌سازی عاطفی و روانی متقاضیان دارد و بستر مناسبی برای تقویت توانمندی آن‌ها فراهم می‌سازد. این جلسات باید با دقت و حساسیت طراحی و اجرا شوند، زیرا موفقیت در دریافت حکم سرپرستی

کودک مستلزم اثبات شایستگی والدین در چنین ارزیابی‌هایی است. مشاوره‌های فرزندخواندگی نه تنها به بررسی آمادگی روان‌شناختی متقاضیان می‌پردازد، بلکه آن‌ها را برای مواجهه با رفتارهای احتمالی کودک و اتخاذ تصمیم‌های صحیح در مسیر پذیرش و سازگاری آماده می‌سازد (پودی و همکاران، ۲۰۰۳). شناسایی زودهنگام چالش‌ها و موانع، ضمن ارتقاء دقت و رضایت‌مندی افراد، سطح آگاهی آنان را در مورد نیازهای فرزندخوانده افزایش می‌دهد و تصویری واقع‌گرایانه از فرایند فرزندخواندگی ارائه می‌دهد. این رویکرد مانع از شکل‌گیری انتظارات آرمان‌گرایانه می‌شود و مسیر را برای تجربه‌ای منطقی و ثمربخش هموار می‌سازد. با توجه به اینکه برخی نگرانی‌ها ناشی از باورهای نادرست درباره فرزندخواندگی است، اصلاح این باورها باید یکی از محورهای اساسی مشاوره‌ها باشد. از سوی دیگر، تغییرات سریع در نقش‌های خانوادگی و ساختار روانی-اجتماعی این خانواده‌ها ایجاب می‌کند که متقاضیان به خوبی با جنبه‌های روان‌شناختی و اجتماعی این تجربه آشنا باشند. هدف نهایی از مشاوره‌های پس از پذیرش کودک، کمک به خانواده و کودک برای سازگاری با شرایط جدید و حل مسائل پیش‌رو است. این فرآیند می‌تواند در پیشگیری از بحران‌ها و تقویت پایداری خانواده نقش کلیدی داشته باشد. یکی از خلأهای مهم در نظام فرزندخواندگی کشور، نبود حمایت‌ها و تسهیلات کافی برای خانواده‌های فرزندپذیر است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، مزایا و مشوق‌هایی برای تشویق به فرزندخواندگی در نظر گرفته شده است. به نظر متقاضیان بهترین حمایت از این خانواده‌ها، رسمیت بخشیدن به رابطه والدین غیرزیستی و فرزندخوانده و هم‌تراز دانستن آنان با خانواده زیستی از نظر قانونی و برطرف کردن موانع موجود در این زمینه می‌باشد. علاوه بر این، با توجه به این که فشارهای فرهنگی و اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در نگرش افراد متقاضی فرزندخواندگی و شکل‌گیری رفتار آنان بعد از والدگری داشته باشد، فرهنگ‌سازی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی برای پذیرش اجتماعی این خانواده‌ها، می‌تواند تسهیل‌کننده باشد و از چالش‌های پیش‌رو بکاهد.

محدودیت پژوهش:

عدم تعمیم‌پذیری نتایج به دست آمده از تحقیقات کیفی و محدود بودن آن به گروه یا نمونه خاص و عدم امکان آن به جمعیت‌های بزرگتر، بزرگترین محدودیت پژوهش می‌باشد. حجم نمونه

محدود نیز ممکن است بر قابلیت تعمیم نتایج تأثیر منفی بگذارد. محدودیت دیگر وابستگی به خود گزارش دهی می‌باشد و چون جمع‌آوری داده‌ها عمدتاً متکی بر خود گزارش دهی والدینی است که منتظر تایید شرایط مدنظر سازمان بهزیستی بودند، بحث سوگیری در اطلاعات، مطرح می‌باشد.

پیشنهادات:

پیشنهادات کاربردی:

- آموزش والدین فرزندپذیر با برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی در خصوص چالش‌های فرزندخواندگی و آموزش مهارت‌های لازم برای مدیریت این چالش‌ها
- توسعه خدمات مشاوره‌ای به والدین فرزندپذیر و برنامه‌های حمایتی دولتی برای حمایت روانی به کودکان
- وضع قوانینی کامل تر و بروزتر و رفع خلاءهای موجود با توجه به چالش‌های شناخته شده

پیشنهادات علمی:

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های روان‌شناختی و اجتماعی، فرهنگی بیشتری در زمینه‌های مرتبط با فرزندخواندگی و تأثیر آن‌ها بر والدین و فرزندان انجام شود و تجارب فرزندخواندگی در فرهنگ‌ها و شهرهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا تأثیرات فرهنگی بر چالش‌ها و مسائل آنان شناسایی شود. انجام مطالعات طولی برای بررسی تغییرات در چالش‌ها و تجربیات والدین فرزندپذیر در طول زمان، از دیگر پیشنهادات پژوهشی می‌باشد. انجام پژوهش در مورد چالش‌های خانواده‌ها، بعد از فرزندپذیری و انجام پژوهش کیفی در مورد مشکلات و چالش‌های افرادی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند، می‌تواند تکمیل‌کننده این پژوهش باشد.

Reference

- Chikwe, Princewi Chigoziri, Obiageli, Fmelumanda and Okoye, Review of perceptions, challenges and prospects of child adoption in Nigeri [link](#)
- Ekström, A., Thorstensson, S., & Bäckström, C. (2022). The concept, importance and values of support during childbearing and breastfeeding—A discourse paper. *Nursing Open*, 9(1), 1–9. [link](#)
- Ghaffari, Elham and Zarean, Mansoura (2011), Women's lived experience of the challenges of adopting children, *Quarterly Journal of Social and Psychological Studies of Women*, 19(1), 143-184. [Link \[In Persian\]](#)
- Harkins, J. (2014). *The relationship between adoptive parents' attachment and parenting styles on adoption outcomes* [Unpublished doctoral dissertation]. Alliant International University. [Link](#)
- Hassan Pourazghadi, Seyede Batoul, Simber, Masoumeh, Vadadhir, Abu Ali, Azin, Seyed Ali, Vamiri Farahani, Leila, (2018), Constructivist analysis of the process of coping with infertility in Iranian non-believing women, *Iranian Journal of Nursing*, 31(113), 62-73. [Link \[In Persian\]](#)
- Hayati, Mojgan, and Malmasi, Zeinab, (1403), Comparison of stress and marital satisfaction in infertile women with positive and negative artificial insemination results, *Quarterly Cultural-Educational Journal of Women and Family*, 19(68), 189-207. DOR: [20.1001.1.26454955.1403.19.68.7.0 \[In Persian\]](#)
- Hosseini, Beh Razan, Esmaili, Masoumeh, Farahbakhsh, Kiyomars, and Salarifar, Mohammad Hossein, (1402), Childbearing Motivation Model Based on the Lived Experiences of Single-Child and More than Two-Child Families, *Quarterly Journal of Cultural and Educational Studies of Women and Family*, 18(65), 68-85. DOR: [20.1001.1.26454955.1402.18.65.1.1 \[In Persian\]](#)
- Kamrani Fakur, Shahrbanoo, Rasoulzadeh Tabatabaei, Kazem, Razzaghi, Reza, and Ahmadi, Fadlallah, (2019) Adoptive families' experiences with adopted children's problems: A grounded theory approach, *Quarterly Journal of Social Welfare*, 19 (74), 167-206. [Link \[In Persian\]](#)
- Kuznetsova, M. (2011). *Adjustment of families with children adopted from Eastern Europe* [Doctoral dissertation, Virginia Commonwealth University]. VCU Scholars Compass. [Link](#)
- Niazi, Mohsen, Shafaei Moghadam, Elham, and Khokhdadadi, Nahid, (2011), The two-way relationship between loneliness and attitude towards childbearing: A study based on the structural equation model. *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family*, 16(54), 169-190. DOR: [20.1001.1.26454955.1400.16.54.4.8 \[In Persian\]](#)
- Norris, K. E. (2016). *The development of neuropsychological functioning, social competence, and emotional and behavioral regulation in adopted Chinese children* [Doctoral dissertation, DePaul University]. [link](#)
- Pacifici, C., Delaney, R., & White, L. (2006). Web-based training for foster, adoptive, and kinship parents. *Children and Youth Services Review*, 28(12), 1329–1343. [link](#)
- Puddy, R. W., & Jackson, Y. (2003). The development of parenting skills in foster parent training. *Children and Youth Services Review*, 25(12), 987–99. [Link](#)
- Razzaghi, Ra (185), An Abstract on Adoption, Publications of the Public Relations Department of the National Welfare Organization. [Link \[In Persian\]](#)

- Razzaghi, Reza (2016), Adoptive families: A new necessity in research in the field of social welfare, *Social Welfare*, 2016, 16 (60), 32-7. [Link](#) [In Persian]
- Sellers, C. M., Battalen, A. W., Fiorenzo, L., McRoy, R., & Grotevant, H. (2019). Adoptive mothers' and fathers' psychological distress: Parenting teens adopted from birth. *Adoption Quarterly*, 22(1), 5–28. [Link](#)
- ShareyatiVaziri, L., Askari Nodoushan, A., &Ruhani, A. (2021). Adoption and significant-others: Understanding the normative pressure perceived by adoptive parents. *Journal of Population Association of Iran*, 15(30), 167–201. [Link](#)
- Womensophy. (2018). *5 great reasons to adopt a child*. [Link](#)
- Zakikhani, Nasim, Shiralinia, Khadija, and Abbaspour, Zabihollah, (2014), Identifying factors affecting the resilience of divorced women and child caretakers: A qualitative study, *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family* 19(68), [DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.68.2.5](#) [In Persian]
- Zoghihi Qanad, Simin, Baranian, Sahar, and Savadkouhi Khoyagani, Sahar, (2014), The relationship between dimensions of childhood caregiving experiences and maternal self-efficacy: The mediating role of self-care in pregnant women, *Cultural-Educational Quarterly of Women and Families*, 19(66), 157-184. [DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.1.6.5](#) [In Persian]